

شبکه‌های اجتماعی به ابزاری برای ارتباط، آموزش و سرگرمی تبدیل شده‌اند. این پلتفرم‌ها فضایی برای انتقاد از فساد و خویشاوندسالاری فراهم کرده‌اند، به‌ویژه علیه فرزندان مقامات، که ثروت خود را در شبکه‌های اجتماعی به نمایش می‌گذارند. ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه در شرایط نامساعد اقتصادی به عنوان نمادی از بی‌توجهی دولت به نیازهای نسل جوان دیده شده. این اقدام، خشم عمومی را علیه نخبگان سیاسی شعله‌ور کرد. اما ظاهراً نارضایتی‌ها، در جامعه نیال ساختاری عمیق‌تر دارد. مانند بیکاری و نابرابری اقتصادی، اشاره شد نرخ بیکاری جوانان در نیال به بیش از بیست درصد رسیده، درحالی‌که نرخ کلی بیکاری در کشور حدود دوازده درصد است. این موضوع، احساس «محرومیت نسبی» را تقویت می‌کند، زیرا جوانان خود را با نخبگان یا همسالان‌شان در کشورهای دیگر مقایسه می‌کنند. یا فساد گسترده در دولت و احزاب سیاسی، به‌ویژه در میان نخبگان، خشم عمومی را برانگیخته. خویشاوندسالاری که در آن فرزندان فرادستان به موقعیت‌های کلیدی دسترسی داشتند، به یک موضوع حساس تبدیل شده. این موضوع در شبکه‌های اجتماعی با عنوان بچه‌پولدارهای مقامات برجسته شده و به نمادی از نابرابری تبدیل گشته. دولت ائتلافی به نخست‌وزیری شارما اولی‌او، که از سال ۲۰۲۱ قدرت را در دست داشت، به دلیل ناتوانی در مدیریت اقتصادی و پاسخگویی به مطالبات جوانان مورد انتقاد بود.

عوامل فرهنگی هم اهمیت دارد. نسل زد نیال، نسلی دیجیتال است که از اعتراضات مشابه در منطقه (مانند سریلانکا در ۲۰۲۲ و بنگلادش در ۲۰۲۴) بی‌تأثیر نبوده. این اعتراضات نشان داده بودند که اعتراضات جوانان می‌توانند دولت‌ها را تغییر دهند. گروه‌هایی مانند «ما نیال هستیم» از پلتفرم‌های دیجیتال مانند دیسکورد و اینستاگرام برای سازماندهی استفاده کردند(۴). سرورهای دیسکورد با بیش از ۱۳۰هزار کاربر، به فضایی برای برنامه‌ریزی، رأی‌گیری و هماهنگی تبدیل شدند. این ابزارها به نسل زد امکان داد تا بدون ساختارهای متعارف (مانند احزاب سیاسی)، اعتراضات را هدایت کنند. نسل زد خود را به عنوان نسلی متمایز از نسل‌های قدیمی‌تر تعریف کرد که با فساد و فرادستان سیاسی کنار آمده بودند. شعارهای «ما نند» (فساد را خاموش کنید، نه شبکه‌های اجتماعی» نشان‌دهنده این هویت‌یابی بود(۵).

➤ یک دیدگاه نظری ترکیبی

به دلیل پیچیدگی خیزش‌های اعتراضی (و وجود ترکیبی از عوامل ساختاری، فرهنگی و دیجیتال)، یک دیدگاه ترکیبی از نظریه‌ها توضیح بهتری را از رخداد نیال ارائه می‌دهد. ابتدا به سه نظریه اشاره می‌کنم:

اول / تئوری «محرومیت نسبی»: این تئوری، که توسط تد گور توسعه یافت، بیان می‌کند که اعتراضات زمانی رخ می‌دهند که افراد یا گروه‌ها احساس کنند وضعیت کنونی آن‌ها با انتظارات‌شان (بر اساس مقایسه با دیگران یا شرایط گذشته) همخوانی ندارد. در نیال، نسل زد با مشاهده ثروت و تجمل نخبگان و فرزندان‌شان در رسانه‌های اجتماعی، در حالی که خود با بیکاری و درآمد پایین دست‌وپنجه نرم می‌کردند، دچار احساس محرومیت نسبی شدند. ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی این احساس را تشدید کرد، زیرا به نظر می‌رسید دولت نه‌تنها فرصت‌های اقتصادی را محدود کرده، بلکه حتی ابزارهای دیجیتال را که نسل زد برای ابراز وجود و کسب درآمد استفاده می‌کرد، از آن‌ها گرفته است.
ظاهراً نسل زد نیال انتظارات خود را با همسالان جهانی یا نخبگان داخلی مقایسه کرده. شعارهایی مانند «نیوکیدا را خاموش کنید» نشان‌دهنده این حس نابرابری است.

با این‌همه این تئوری به‌تنهایی نمی‌تواند توضیح دهد که چگونه این احساس محرومیت به یک جنبش سازمان‌یافته و هدفدار تبدیل شد. دوم / تئوری «بسیج منابع»: این تئوری، که توسط چارلز تیلی و بعد مک کارتی و زالد ارائه شد، بر این تمرکز دارد که خیزش‌های اعتراضی نیازمند منابع (مانند پول، سازمان، ارتباطات) هستند تا موفق شوند. در نیال، رسانه‌های اجتماعی (دیسکورد، اینستاگرام) به عنوان منابع کلیدی عمل کردند. گروه‌هایی مانند «ما نیال هستیم» از این پلتفرم‌ها برای هماهنگی سریع بیش از ۱۰۰هزار نفر استفاده کردند، بدون نیاز به ساختارهای متعارف مانند احزاب سیاسی. این ابزارهای دیجیتال، امکان برنامه‌ریزی، رأی‌گیری و حتی انتخاب نخست‌وزیر موقت را فراهم کردند. سرورهای دیسکورد با ۱۳۰هزار کاربر و هشتگ‌هایی مانند «نسل زد نیال» نشان‌دهنده قدرت بسیج دیجیتال بودند. با این همه این تئوری هم انگیزه‌های عاطفی و فرهنگی (مانند خشم از فساد) را به‌طور کامل توضیح نمی‌دهد.

سوم / تئوری «چارچوب‌بندی»: این تئوری، که توسط دیوید اسنود و رابرت نفورد توسعه یافت، بیان می‌کند که جنبش‌های اجتماعی با «چارچوب‌بندی» مسائل (تعریف مشکل و راه‌حل‌ها) موفق می‌شوند. در نیال، نسل زد ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی و فساد را

به عنوان حمله‌ای به حقوق و آینده خود چارچوب‌بندی کرد. شعارها و هشتگ‌هایی مانند «رفع ممنوعیت از شبکه‌های اجتماعی» و «فساد را خاموش کنید» این چارچوب را تقویت کردند و اعتراضات را به یک «خیزش نسل زد» تبدیل نمودند. استفاده گسترده از رسانه‌های اجتماعی برای انتشار پیام‌های اعتراضی و جلب حمایت بین‌المللی (مانند عفو بین‌الملل) نشان‌دهنده قدرت «چارچوب‌بندی» بود. این چارچوب، نسل زد را به عنوان قهرمانان مبارزه با فساد معرفی کرد. با این همه این تئوری نیز به‌تنهایی نمی‌تواند علل ساختاری (مانند بیکاری) یا مکانیزم‌های سازماندهی را توضیح دهد.

➤ محرومیت نسبی دیجیتالی

برای توضیح بهتر این خیزش نیال، در یک مدل ترکیبی با عنوان «محرومیت نسبی دیجیتالی» می‌توان سه تئوری بالا را ترکیب کرد. محرومیت نسبی، احساس نابرابری و خشم ناشی از مقایسه با نخبگان و محدودیت‌های اقتصادی (بیکاری، فساد) و بسیج منابع دیجیتال، استفاده از شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزار سازماندهی و هماهنگی، که امکان اعتراضات بدون رهبری سنتی را فراهم کرد. چارچوب‌بندی فرهنگی، تعریف اعتراضات به عنوان یک خیزش نسلی علیه فساد و نخبگان، که همبستگی جمعی را تقویت کرد. این مدل، اعتراضات نیال را به عنوان یک «خیزش دیجیتالی» توضیح می‌دهد: جایی که فشارهای ساختاری (بیکاری، نابرابری) توسط ابزارهای دیجیتال (دیسکورد، اینستاگرام) بسیج شده و در یک چارچوب فرهنگی (خیزش نسل زد) ارائه می‌شوند. این مدل مشابه خیزش‌های بهار عربی (۲۰۱۱) یا خیزش‌های اخیر در جنوب آسیا است و انتظار می‌رود که چنین خیزش‌هایی در کشورها با جمعیت جوان و دسترسی دیجیتال (مانند نیال) تکرار شود، مگر اینکه دولت‌ها به مطالبات اقتصادی و اجتماعی پاسخ دهند.

➤ دستاوردها و خسارات

اعتراضات نسل زد دستاوردهایی داشت که نشان‌دهنده نفوذ این خیزش بود. اول تغییر سیاسی بود. در هجده شهریور شارما اولی‌او، نخست‌وزیر نیال، به همراه چند وزیر کابینه به دلیل شدت اعتراضات و خشونت‌ها استعفا دادند. این استعفا، پیروزی بزرگی برای معترضان بود که خواستار پاسخگویی بودند. انتصاب نخست‌وزیر ضد فساد و موقت، در بیست‌ویک شهریور، سوشیلا کارکی، رئیس سابق دیوان عالی، به عنوان اولین نخست‌وزیر زن نیال به صورت موقت منصوب شد، خود یک پیروزی بود. این انتخاب از طریق رأی‌گیری آنلاین توسط نسل زد پیشنهاد شد، که نشان‌دهنده نفوذ دیجیتال در این خیزش جمعی بود. دوم لغو ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی بود. دولت موقت، ممنوعیت رسانه‌ها را لغو کرد و این اقدام به عنوان پیروزی برای آزادی بیان جشن گرفته شد. سازمان‌های بین‌المللی مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر نیز از این تصمیم حمایت کردند. سوم ایجاد گفت‌وگو است. اعتراضات، فضایی برای گفت‌وگوی نسل جوان با ارتش و دولت باز کرد. چهارم که تمرکز بر اصلاحات ضدفساد و وعده انتخابات جدید در مارس ۲۰۲۶ بود، نشان‌دهنده تأثیر میان‌مدت این خیزش است. پنجم، تقویت هویت نسلی است. نسل زد نیال به عنوان نیرویی سیاسی و اجتماعی ظهور کرد که می‌تواند تغییرات ساختاری را مطالبه کند. فعالیت‌های بازسازی پس از اعتراضات (مانند پاکسازی خیابان‌ها) علامت مثبتی بود.

با وجود دستاوردها، این اعتراضات هزینه‌های سنگینی نیز داشت. خسارات انسانی، حدود هفتاد تا صد نفر (عمدتاً جوانان) در درگیری‌ها با پلیس کشته شدند و بیش از ۲۰۰۰نفر زخمی شدند. بسیاری از این تلفات در پایتخت رخ داد و خانواده‌های قربانیان همچنان خواستار عدالت هستند. خسارات مادی، ساختمان‌های کلیدی مانند پارلمان، دیوان عالی، خانه‌های سیاستمداران (مانند خانه نخست‌وزیر حاکم) و مقر احزاب سیاسی و رسانه‌ها در آتش‌سوزی‌ها تخریب شدند. خسارات مادی که صدها میلیون روپیه تخمین زده شده و اختلال در خدمات عمومی (مانند تعطیلی فرودگاه بین‌المللی) اقتصاد را تحت تأثیر قرار داد. تنش‌های اجتماعی و سیاسی، اعتراضات به تنش‌های قومی و سیاسی دامن زده. برخی گروه‌های سلطنت‌طلب تلاش کردند اعتراضات را به نفع خود هدایت کنند، که باعث ایجاد شکاف شد. همچنین، اعتماد عمومی به نهادهای دولتی کاهش یافته و بازسازی این اعتماد چالش بزرگی است.

➤ درس‌ها برای دیگران

با اطلاعاتی که فعلاً از خیزش اعتراضی نیال در دسترس داریم، این خیزش به حکومت‌ها این درس را می‌دهد که از سرکوب دیجیتال خودداری کنند. ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی در نیال نه‌تنها بی‌اثر بود، بلکه خشم جوانان را برانگیخت و آن‌ها با استفاده از وی‌پی‌ان محدودیت‌ها را دور زدند. این اقدام اعتراضات

را تشدید کرد و اتحاد جوانان را تقویت کرد. به جای سرکوب دیجیتال، باید فضایی برای گفت‌وگوی آفلاین و آنلاین فراهم شود تا از تبدیل نارضایتی به بحران خشونت‌آمیز جلوگیری شود و از ربهود شدن اعتراضات توسط گروه‌های افراطی جلوگیری گردد.

درس دیگر پاسخ به ریشه‌های نارضایتی است. بیکاری جوانان و فساد در میان نخبگان سیاسی از عوامل اصلی اعتراضات نیال بود. استفاده بیش از حد از زور توسط پلیس اعتراضات را به یک بحران تبدیل کرد. به جای استفاده از نیروی نظامی، شایسته بود به مطالبات اقتصادی و اجتماعی (مانند ایجاد شغل و شفافیت) پاسخ داده شود تا از بی‌ثباتی و سرنگونی جلوگیری شود. اغلب مطالعات نشان می‌دهد که ثبات در کشورها به حل ریشه‌ای مشکلات بستگی دارد.

درس دیگر ریسک شایعات دخالت خارجی است. شایعات درباره دخالت خارجی (مانند نقش CIA در نیال) نشان داد که سرکوب اعتراضات می‌تواند به اتهامات «توطئه خارجی» دامن بزند و مشروعیت دولت را تضعیف کند. تمرکز بر مدیریت داخلی و شفافیت می‌تواند از «رنگ‌آمیزی» اعتراضات به عنوان پروژه خارجی جلوگیری کند.

اعتراضات نیال با تجمعات مسالمت‌آمیز آغاز شد، اما توسط گروه‌های حاشیه‌ای به خشونت کشیده شد که به مشروعیت جنبش آسیب زد. جوانان نیال با محکوم کردن خشونت و پاکسازی خیابان‌ها تصویر مثبتی از خود نشان دادند. تمرکز بر مطالبات مشخص (مانند مبارزه برای رفع ممنوعیت از شبکه‌های اجتماعی، مبارزه با فساد یا ایجاد اشتغال) و اجتناب از خشونت برای حفظ حمایت عمومی و مشروعیت هر اعتراض مدنی ضروری است.

➤ جمع‌بندی

آنچه که گفتیم، موقتی است. در آینده با تثبیت دستاوردها و خسارات خیزش اعتراضی نیال، بهتر می‌توان درباره آن صحبت کرد. خیزش اعتراضی نسل زد در نیال از سیزده تا بیست و شش شهریور هزار و چهارصد و چهار، نتیجه ترکیبی از فشارهای ساختاری (بیکاری، فساد)، انگیزه‌های فرهنگی، جرقه سیاسی (ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی) و ابزارهای دیجیتال بود. دستاوردهای آن شامل استعفای دولت، لغو ممنوعیت شبکه‌های اجتماعی و تقویت هویت نسلی بود، اما هزینه‌های انسانی (حدود صد کشته و دو هزار زخمی) و مادی (صدها میلیون روپیه خسارت) سنگین بودند. تئوری‌های محرومیت نسبی، بسیج منابع و چارچوب‌بندی، در یک مدل ترکیبی توضیحی را برای این خیزش اعتراضی ارائه می‌دهند. این مدل نشان می‌دهد که نسل زد نیال، با استفاده از ابزارهای دیجیتال و الهام از جنبش‌های دیگر، توانست سیستم سیاسی را به چالش بکشد. با این همه نباید ساده‌نگر بود که اگر در جامعه‌ای آن سه عامل بود، حتماً خیزش رخ می‌دهد. ممکن است رخ ندهد. این مدل «تحلیلی ترکیبی» بیشتر روندهای اعتراضی را نشان می‌دهد نه وقوع حتمی اعتراض را. ضمناً پایداری تغییرات در نیال به اجرای اصلاحات ضدفساد و پاسخگویی به مطالبات اقتصادی بستگی دارد. بدون این اصلاحات، کشور نیال ممکن است شاهد خیزش‌های مشابه در آینده باشد.

➤ پی‌نوشت‌ها

۱- آن‌جی‌او یا سمن «ما نیال هستیم» یا حامی نیال (Hami Nepal) ظاهراً یک موسسه بشردوستانه است که بر کمک‌های اضطراری و امدادرسانی در بلایای طبیعی تشکیل شده است و به جوانان آسیب‌دیده نیز کمک می‌کند. سمن مذکور نقش مهمی در اعتراضات نیال داشته و خود را سازمانی مستقل از دول خارجی می‌داند. من در این نوشته توانستم از وابستگی‌ها یا عدم وابستگی‌های سیاسی این سمن به درستی سردربریاورم. آن‌چه که کمی روشن است این است که جوانان معترض در نیال به این سمن اعتماد داشتند. اگر بخوایم مثالی از ایران بزنیم سمن «ما نیال هستیم» با موسسه خیریه امام علی کمی شباهت دارد. این موسسه هم مورد علاقه بخشی از دانشجویان بود و در عین حال از سوی نهادهای امنیتی نسبت به عملکردش زیر پرسش بود.

۳(nepo kids)-

۴(Discord)-

۵-بعضی از شعارهای اعتراضات نیال عبارت بودند از: «نپو بیبی یا بچه نور چشمی‌ها»؛ «فساد را خاموش کنید نه شبکه‌های اجتماعی را»؛ «شبکه‌های اجتماعی را آزاد کنید»؛ «جوانان علیه فساد»؛ «کافی است، کافی است»؛ «پایان فساد»؛ «صدای ما را نمی‌توان سرکوب کرد» و غیره.

چهره‌ها/۲



جامعه دچار خرافات شده است

سیدمحمدباقر علوی‌تهرانی، استاد حوزه علمیه در سخنرانی خوددر مسجدحضرت‌امیر(ع) گفت: «درذهن کسی نباید که داری سیاه‌نمایی می‌کنی‌امن هرگز آدمی نیستم که سیاه‌نمایی کنم. من دارم سیاهی‌ها را توضیح می‌دهم. از سال ۱۳۷۵ که‌درمسجدحضرت‌امیرهستم، جامعه‌به‌سمت‌وسویی‌رفته‌است‌که کسی مناسک‌انجام نمی‌دهد و شاهد آفول سواد دینی مردم بوده‌ام. آن زمان قریب به چهل درصد مردم مرجع تقلید نداشتند ولی ۹۰ درصد پرسش‌هایشان اعتقادی بود درباره جبر و قضا و قدر و...» وی در ادامه افزود: «اما امروز از صد سوال، صد وده سوال راجع به طلسم و خرافات است. والله این فاجعه است. یعنی ما جامعه‌را از لحاظ تعلیم دینی رها کرده‌ایم‌و دشمنان خرافات را در جامعه پر کرده‌اند. جرأت نمی‌کنم بگویم کسانی که در خانه‌شان رساله عملیه است در این جمعیت، دست‌شان را بلند کنند.»



تبادل پیام با آمریکا ادامه دارد

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در حاشیه جلسه دیروز هیئت دولت در خصوص برنامه‌های دولت در زمینه بهینه‌سازی مصرف انرژی گفت: «تا پایان شهریورماه ۲۲۰۰ مگاوات انرژی خورشیدی به چرخه تولید برق در کشور اضافه شده است و این روند ادامه دارد. در عین حال برای ارتقای بهره‌وری و بهینه‌سازی قرار شده پوششی برای تأمین بخاری‌های استاندارد برای خانواده‌های تحت پوشش برخی نهادهای حمایتی به راه بیفتد که می‌تواند مثرثمر باشد.» مهاجرانی درباره تعاملات دیپلماتیک افزود: «از گذشته تا به امروز تبادل غیر مستقیم پیام با آمریکا در جریان بوده و هست.»

ادامه سر مقاله



بحران اعتماد اجتماعی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. وقتی عملکرد نهادهای رسمی، چه دینی و چه سیاسی، کمتر شفاف یا کارآمد باشد، مردم به منابع غیررسمی روی می‌آورند. خرافات و رمالی به دلیل ارائه راه‌حل‌های فردی و شخصی، برای افراد ضعیف که دنبال راهی برای خروج کم‌هزینه از بن‌بست‌های زندگی هستند، مطمئن‌تر و در دسترس‌تر به نظر می‌رسد. افزون بر این، در جامعه‌ای پرترش و بی‌ثبات، طلسم و جادو نوعی آرامش روانی و احساس کنترل بر زندگی می‌دهد؛ هرچند این آرامش خیالی باشد. مسئولیت این وضعیت، لزوماً بر دوش مردم نیست. موضوعی که عمومی شود حتماً علت سیاسی و اجتماعی دارد. واقعیت آن‌است که نهاددین نتوانسته آن تصویر کارآمد و عقلانی از دین را که پیش از انقلاب ساخته شده بود و مردم بر آن اساس انقلاب کردند را اکنون به‌روز کند. وقتی دین رسمی با زبان امروز سخن نمی‌گوید، طبیعی است که میدان برای خرافات و شبه‌معنویت باز شود. برای بازگشت از این وضعیت، انجام چند اقدام ضروری به نظر می‌رسد:

نخست، بازنگری در آموزش دینی: به‌جای اجبار و حفظیات، باید پرسشگری و عقلانیت تقویت شود. **دوم، پاسخ به مسائل واقعی زندگی:** دین اگر در اقتصاد، مدیریت، خانواده و حقوق زنان و کودکان، عدالت و نظم اجتماعی، روابط خارجی یا بحران‌های اخلاقی کارآمدی نشان دهد، جای‌ار ظهور خرافه و جادو تنگ می‌شودوبرعکس.

سوم، شفافیت و اعتمادسازی: بدون اعتماد عمومی هیچ اصلاحی پایدار نیست.

چهارم، مقابله هوشمندانه با خرافات: نه صرفاً محکوم‌کردن مردم، بلکه نقد علمی و فرهنگی دعائوبسی و خرافات.

و پنجم، ارائه معنویت اصل و زنده: مردم باید معنویت را در عبادت، اخلاق، هنر و تجربه اجتماعی و مهم‌تر از همه در رفتار حاملان دین ببینند و بیابند، نه در طلسم و جادو. همه اینها نیازمند رسانه‌ای کارآمد است که خرافات و رمالی را به‌تقدیکشد. نه اینکه مروج آن باشد. افزایش گرایش به خرافات نشانه یک هشدار جدی است؛ بخشی از جامعه از عقلانیت فاصله گرفته و به شبه‌علم و خرافه نزدیک شده است و برای این هدف دین موجود را بهترین پوشش قرار داده است. این روند را نمی‌توان با نصیحت یا توبیخ متوقف کرد. راه‌حل در بازسازی اعتماد، اصلاح آموزش و عرضه معنویت اصل و به‌هنگام کردن منطق و پیام دین با مقتضیات روز است. تنها در این صورت است که پرسش‌های جدی و اعتقادی و عقلانی از دین، می‌توانند دوباره جای خود را در ذهن مردم باز کنند. ظاهراً برخی در ساختار رسمی علاقه‌ای به چنین تحولی ندارند و از خرافات بیشتر از عقلانیت استقبال می‌کنند.